



احسان اصولی، رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر مشهد: **تئاتر، هنر مردم مشهد را در کشور پر آوازه کرده است**

صفحه ۲



بتول گندمی، رئیس کمیسیون «برنامه و بودجه» شورای شهر: **ایجاد زیرساخت های نمایشی در پروژه های مشارکتی**

صفحه ۲



امیر شهلا، عضو شورای اسلامی شهر مشهد: **همه امکانات و پتانسیل ها برای حمایت از فعالان تئاتر بسیج شود**

صفحه ۲



داور جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی:

تیغ تئاتر استانی دوباره برنده شده است

صفحه ۲

نگاهی به تعدادی از تئاترهای راه یافته به بخش «تجربه های جشنواره»

بشتابید که آینده از آن شماس است



قبل تئاتر به مراتب بهتری از او را دیده بودم...

صفحه ۳



۲۳ الی ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۶ / مشهد مقدس
مجموعه تئاتر شهر - تماشاخانه اشراق - پردیس تئاتر مستقل - تماشاخانه خورشید

یادداشت

آنچه جامعه هنرمندان تئاتر انتظار دارد
تئاتر را یک تفریح فئودالی نکنیم

نویمان ملک - تئاتر هنر است و اهالی تئاتر نیز هنرمند هستند و هنرمند بدون دغدغه معنا ندارد. هنرمندی که زبان جامعه اش را بداند و آن را در آثار خود بازتاب دهد به رسالت هنری اش جامه عمل پوشانده است، هر چند که حال و احوال تئاتر در شهر و استانمان روز به روز در حال بهبود است، اما هنوز هم از کمبود در تنوع مخاطب رنج می برد. تئاتر، اگر بسا آحاد مردم ارتباط برقرار نکند، به یک تفریح فئودالی تبدیل خواهد شد.

اهالی تئاتر باید به خود بقبولاند که تماشاچی تئاتر، اگر در طبقات مختلف جامعه جای خود را باز نکند، در تماشاخانه ها به جز عده ای تماشاچی تکراری که بیشتر برای تفریح تئاتر و نمایش می بینند تا برای التیام روح چیز دیگری نخواهد ماند. اگر تئاتر پایش را از تماشاخانه ها و پلاتوها بیرون نگذارد و به خیابان ها، مدارس، کانون ها، مساجد، دانشگاه ها و... نرود، در حد یک هنر شیک و اتوکشیده که مجامع روشنفکری طالب آن هستند بیشتر نخواهد شد. آنچه جامعه (در طبقات مختلف) از هنرمندان تئاتر انتظار دارد این است که بازتاب جامعه خود باشند و اساساً تئاتری که جامعه اش را به جامعه اش نشان دهد دیده و ماندگار و تأثیرگذار خواهد بود.

از همان ابتدای پیدایش نمایش و هنرهای نمایشی هم که از بازسازی آیین های سنتی جوانه زد مردم و جامعه خودشان را در آن نمایش ها می دیدند. شاید بتوان به جرئت گفت، اگر نبود این بازنمایی و بازآفرینی جامعه در دوران تولد نمایش و تئاتر، شاید الان این هنر عمری به این درازا نداشت. آیین های سنتی که در ایام خاصی از سال در نقاط مختلف جهان برگزار می شود به همین دلیل است که مانا شده است.

در بیست و هفتمین جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی صورت گرفت

رشد ۸۰ درصدی آثار در جشنواره تئاتر «رضوان»



گفت: «آثار رسیده به مسابقه نمایش نامه نویسی، افزایش ۳۰۰ درصدی داشته است. ۱۸ متن سال گذشته به ۶۳ متن در سال جاری افزایش یافته که نشان دهنده موفقیت های خوب در نقشه راه تئاتر استان است. سید جواد اشکذری، دبیر جشنواره تئاتر امسال و رئیس انجمن هنرهای نمایشی خراسان رضوی درباره جشنواره بیست و هفتم گفت: «جشنواره امسال در مقایسه با ۵ سال گذشته، رشد خوبی داشته است. تربت حیدریه که سال گذشته بی انگیزه بود، امسال کارهای خوبی ارائه کرد. از میان شهرهای مختلف، ۱۱ شهر به مرحله بازبینی راه پیدا کرده اند.»

وی ادامه داد: «از مشهد ۱۷ اثر و از کاشمر ۱۲ اثر به مرحله بازبینی راه پیدا کردند. بازبینی یک اثر از جشنواره «میتاق» و یک اثر که نمایش فیزیکال «صدای سکوت» است، انجام شده است. در ۴ بخش از جشنواره، شاهد حضور ۱۲۹ اثر هستیم. ۱۱۲ اثر در بخش اصلی، ۶ اثر در بخش تجربه های نو، ۱۱ اثر در بخش مهمان و ۱۲ اثر در بخش جنبی حضور دارند.»

رئیس انجمن هنرهای نمایشی خراسان رضوی درباره وضعیت فعلی تئاتر استان نیز این گونه صحبت کرد: «نسل تئاتر مشهد در حال پوست اندازی است. وقتی در سال گذشته محمد حسن نیازی دهه هفتادی کاندیدای کارگردانی می شود، باید این تغییر را پذیرفت.»

وقتی نمایش هاویزای مسابقه می گیرند
آثار پذیرفته شده (بدون اولویت) در بیست و هفتمین جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی اعلام شدند. هیئت بازبینی جشنواره، نمایش «بوف» به کارگردانی مسعود عقلی، را به دلیل کامل نبودن اثر، بررسی نکردند. هیئت بازبینی جشنواره در بیست و هفتمین جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی متشکل از حمیدرضا سهیلی، حسین

خبر

عکاسان برتر جشنواره «رضوان» معرفی می شوند
«رضوان» در قاب عکاسان

بیست و هفتمین جشنواره تئاتر «رضوان» در قاب عکاسان تئاتر خراسان رضوی قرار گرفت. بیست و هفتمین جشنواره تئاتر «رضوان» در قاب عکاسان تئاتر خراسان رضوی قرار می گیرد. به گزارش «پایگاه تخصصی اطلاع رسانی مشهد تئاتر»، مهديا مصباحی، دبیر بخش «عکس» بیست و هفتمین جشنواره تئاتر «رضوان» گفت: «در این دوره نیز مانند سال قبل با حمایت انجمن هنرهای نمایشی استان خراسان رضوی همه نمایش های اجرا شده در جشنواره توسط عکاسان تئاتر خراسان عکاسی شد. آثار ایشان در اختتامیه جشنواره به صورت چاپ شده در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. در این دوره عکاسان باتجربه در کنار هنر جوانان دانش آموز عکاسی تئاتر از بیست نمایش اجرا شده در طول جشنواره عکاسی کردند. حسین ذبیح نیا، محمد جواد عبدی، روح...، مهاجر، وحید بیات، علیرضا رجایی، آیدا باقری، آنتیا جاویدیان، ملیحه عابدینی، سیده الهه قاسمی، پریسا طوسی، مژگان جهانی، نگین اسدی، پریا پوزش، احمد چغنی، صابر سینه چی، آریاسزوری و مژگان رضایی عکاسان حاضر در این رقابت بودند. سجاد انتظاری، رضا زرنوشه، محمد واحدی و مهديا مصباحی داوری و انتخاب آثار نمایشگاه و انتخاب سه عکاس برگزیده را برعهده دارند. نمایشگاه عکس عکاسان در روز اختتامیه جشنواره بیست و هفتم شهریور، ساعت ۱۷ برگزار می شود. سید مهديا مصباحی، از عکاسان با سابقه تئاتر مشهد، دبیری و کربتوری بخش عکس جشنواره را برعهده دارد.

فراخوان بیست و هفتمین دوره جشنواره تئاتر «رضوان» استان خراسان رضوی در سال ۱۳۹۵ با هدف ارتقای سطح کیفی آثار و ارتباط مؤثر تماشاگران با آثار نمایشی منتشر شد.

خبر

داور جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی: تیغ تئاتر استانی دوباره برنده شده است

افتخاری - داور بخش مسابقه بیست وهفتمین جشنوارهٔ تئاتر استانی خراسان رضوی با بیان این مطلب که تیغ تئاتر این استان دوباره برنده شده است، می‌گوید: «اهالی تئاتر دست‌به‌دست هم داده‌اند تا دوباره رونق به تئاتر استانی وشهری بازگردد.»

آرش دادگر در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرآ می‌افزاید: «خراسان رضوی همیشه در قله‌های رفیع تئاتر ایران قرار داشته وهنرمندان بسیار خوب وتوانمندی رابه جامعهٔ تئاتر معرفی کرده است. زمانی هنرمندان خراسانی برای معرفی خودنیاز به حضور در عرصهٔ ایران نداشتند، بلکه با انجام کارهای حرفه‌ای وتخصصی و حضور در جشنواره های ملی، شناخته می‌شدند.»

داور بخش مسابقهٔ بیست وهفتمین جشنوارهٔ تئاتر استانی خراسان رضوی تصریح می‌کند: «متأسفانه در سنوات گذشته، از تئاتر استانی غفلت شده است، امادرسال‌های اخیربا تمرکز گروه‌های تئاتر بروی سیاست جذب تماشاگر و اجرای عمومی، تئاتر مشهد و خراسان پیشرفت کرده ومجددتیغ آن تیزو برنده شده است.»

وی ادامه می‌دهد: «درخشش تئاتر استانی خراسان رضوی در سال‌های اخیر، نتیجهٔ مدیریت خوب کارگردان‌های این بخش، بازیگران تهیه‌کنندگان بوده است. اهالی تئاتر دست‌به‌دست هم داده‌اند تا دوباره رونق به تئاتر استانی وشهری بازگردد.»

دادگر با بیان اینکه اگر هم‌افزایی اهالی رسانه مستمر نباشد، دوباره تئاتر خراسان رضوی فراموش می‌شود، تأکید می‌کند: «باید با استفاده از ظرفیت‌های موجود، استعداد‌های جوانان را در بخش تئاتر شکوفا کنیم، چراکه جوانان سرمایه‌های آیندهٔ تئاتر هستندوباید از آن‌ها حمایت کرد.»

وی خاطرنشان می‌کند: «خوبیختانه در خراسان‌رضوی، شکاف بین جامعهٔ پیشکسوت تئاتر وجوانان‌فعال در این حوزه کاهش یافته‌ورابطه بسیار خوبی بین پیشکسوتان و جوانان ایجاد شده است. به‌نظر بنده اگر همین روال در سال‌های آینده دنبال شود و هم‌افزایی‌ها ادامه داشته باشد، قطعاً تئاتر خراسان‌رضوی به اوج شکوفایی خود باز خواهد گشت.»

یکی از اساتید دانشگاه وفعال حوزهٔ نمایش هم در ارتباط با حال‌وهوای

تئاتر خراسان رضوی می‌گوید: «من بارها گفته‌ام وبازهم می‌گویم مشکل بزرگ تئاتر مشهد در نادانی، آموزش کم ونبود استاد خوب برای دانشجویمان وهنرجویان است.»

عباس رئایی می‌افزاید: «ما باید سطح بالای هنر را به‌سوی مشهد بکشانیم. هروقت بستر تئاتر مملو از آموزش اصیل تئاتر شد، می‌توان انتظار داشت که شرط لازم برای

تحول تئاتر این شهر به‌وجودآید.»

اومی‌گوید: «بازیگری، درکی عمیق وبرداشتی ویژه و ژرف از مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ومعضلات مختلف جامعه

می‌خواهد که عموماً هم کارگردان‌ها

و هم بازیگرها فاقد آن هستند.»

این فعال حوزهٔ نمایش تأکید می‌کند: «جشنواره‌هایی را که هرگاه‌هی به پنهان‌های مختلف، اعم از نمایش‌نامه‌خوانی، جشنوارهٔ استانی وجشنوارهٔ آیینی برگزار می‌شود، بهتر است چندسالی تعطیل کرد و بودجه‌اش را برای کارهای اساسی هزینه کنیم.»

او با طرح کلیهٔ دربارهٔ کمبود

مخاطب درحوزهٔ نمایش می‌گوید:

«در شهر مشهد بابیش از ۳ میلیون نفر جمعیت، شاید در همهٔ تئاتر‌های

ده‌سالهٔ اخیر ۴هزار نفر به‌صورت متوسط بر صندلی‌ها نشسته‌باشند. معلوم است که تئاتر بین مردم جا نیفتاده است. فعلاهرکسی آدم‌های خودش وتبلیغات خودش را دارد و با دوستان وعمه‌وخالهٔ خودش سالن‌را پر می‌کند.»

رئیس کمیسیون «فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه» شورای شهر مشهد:

تئاتر، هنر مردم مشهد را در کشور پر آوازه کرده‌است

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر

باتمام توان از هنرهای نمایشی حمایت خواهد کرد



سخن گفت. احسان اصولی ضمن قدردانی از تلاش‌های هنرمندان مشهدی و خراسانی که نام و آوازهٔ مشهد را در فرهنگ وهنر کشور زنده نگه‌داشته‌اند تصریح کرد: «هر چند که روزبه‌روز رونق در هنرهای نمایشی شهر بهتر و بیشتر می‌شود، اما این جایگاه واقعی هنرمندان مشهدی نیست و همهٔ مسئولان شهری و استان باید همت خودشان را برای اعتلای فرهنگ، ادب وهنر این دیار بگذارند.»

اصولی همچنین از حمایت‌ها وبرنامه‌های حمایتی شورای پنجم سخن گفت و افزود: «امیدوارم در آینده‌ای نزدیک شاهد میداننداری هنرمندان اصیل و شناخته‌شدهٔ مشهدی در بسترسازی‌های فراهم‌شده توسط شورای شهر وشهداری مشهدباشیم.»

اصولی گفت: «هنر بهترین ابزار برای فرهنگ‌سازی ومعرفی هنجارهای زندگی امروزی در شهر است که هم میزان اثرگذاری بالایی دارد و هم به لطافت و مطلوبیت زندگی شهری خواهد افزود؛ لذا برای رسیدن به مقاصد و اهداف تعیین‌شده در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی وشهروندی مردم مشهد معتقدیم باید زمینهٔ فعالیت حرفه‌ای اهل هنر، به‌خصوص هنرهای نمایشی، را به‌گونه‌ای فراهم نماییم که اسلوب‌واصول یک کار حرفه‌ای آسیب‌بینند.»

وی با اشاره به اینکه باید از برگزاری جشنواره‌های استانی در حوزهٔ تئاتر به‌صورت ویژه حمایت کردافزود: «قطعاً چنین برنامه‌هایی می‌تواند شرایط بهتری را برای رشد وتوسعهٔ این هنر در سطح کشور فراهم کند. مشهد دارای استعداد و پتانسیل‌های ذی‌قیمتی است که باید از این ظرفیت‌های استفاد وبهرهٔ کافی

ببریم.»

رئیس کمیسیون «فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه» شورای شهر مشهد در پایان تأکید کرد: «کمیسیون فرهنگی واجتماعی شورای شهر مشهد هم با تمام‌توان از این هنر حمایت خواهد کرد.»

ایجاد زیرساخت‌های نمایشی در پروژه‌های مشارکتی

رئیس کمیسیون «برنامه، بودجه و فناوری اطلاعات» شورای اسلامی شهر مشهد از برنامه‌ریزی‌های مدیریت‌شهری برای ایجاد زیرساخت‌های هنری



در حوزهٔ تئاتر و سینما در پروژه‌های مشارکتی شهرداری وبخش خصوصی خبر داد.

بتول گندمی در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرآ با بیان این مطلب افزود: «خوشبختانه پس از اعتماد مردم به لیست امید در انتخابات پنجمین دورهٔ شورای اسلامی شهر مشهد، بنده و دیگرمنتخبان شورا ارتباط نتگانتگی با حوزه‌های مختلف هنری این کلانشهر برقرار کردیم تا از نزدیک مشکلات و درخواست‌های آنان را بررسی کنیم.»

وی افزود: «تئاتر از جمله حوزه‌های هنری به‌شمار می‌رود که رفع مشکلات فعالان آن، مورد توجه اعضای پنجمین دورهٔ شورای اسلامی شهر و مدیریت‌شهری قرار گرفته است.»

رئیس کمیسیون «برنامه، بودجه وفنآوری اطلاعات» شورای اسلامی شهر مشهد تصریح کرد: «باتوجه‌به برگزاری جلسات مختلف با اهالی نمایش، به‌نظر می‌رسد که مشهد درمقایسه با دیگر کلان‌شهرها در حوزهٔ تئاتر و هنرهای نمایشی از جایگاه بهتری برخوردار است.»

وی تأکید کرد: «وی تئاتر و هنرهای نمایشی را یک ظرفیت ویژه برای انجام فعالیت‌های فرهنگی برشمرد وخاطرنشان کرد: «باید فرصت بهره‌برداری از این ظرفیت راغنیمت بشمریم‌وازان در راستای ارتقای سطح فرهنگی واجتماعی جامعه‌وهمچنین گذران اوقات فراغت شهروندان استفاده کنیم.»

گندمی با ابراز تأسف دربارهٔ تأمین‌نشدن زیرساخت‌های لازم در حوزهٔ هنرهای نمایشی گفت: «مشهد در این حوزه از امکانات خوبی برخوردار نیست. متأسفانه زیرساخت‌های موجود هیچ‌تناسبی با جایگاه این کلان‌شهر در بخش تئاتر و هنرهای نمایشی ندارد.»

رئیس کمیسیون «برنامه، بودجه و فنآوری اطلاعات» شورای اسلامی شهر مشهد بر ضرورت تأمین زیرساخت‌های موردنیاز در زمینهٔ تئاتر تأکید کرد و افزود: «مدیریت شهری با ایجاد امکانات سخت‌افزاری برای برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌کمک اهالی حوزهٔ هنرهای نمایشی شهر

رئیس کمیسیون «فرهنگی، اجتماعی، زیارت، گردشگری و رسانه» شورای شهر مشهد:

تئاتر، هنر مردم مشهد را در کشور پر آوازه کرده‌است

یکی از خاستگاه‌های اصلی هنر نمایش و تئاتر در کشور محسوب می‌شود؛ لذا باید برای ارتقای این جایگاه تلاش کرد.»

وی با بیان اینکه مردم وبه‌ویژه جوانان از نمایش‌های پرده‌ای و صحنه‌ای استقبال بی‌نظیری می‌کنند، افزود: «در حال حاضر بسیاری از تماشاخانه‌های شهر مشهد با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی احداث شده و در اختیار فعالان هنری وعلاقه‌مندان به هنرهای نمایشی وتئاتر قرار گرفته است.»

عضو شورای اسلامی شهر مشهد تصریح کرد: «باتوجه‌به اینکه هنر نمایش نقش خیلی ویژه‌ای در ایجاد نشاط وبویایی اجتماعی ایفا می‌کند و باعث ایجاد مودت ومحبت بیشتر بین شهروندان می‌شود، همهٔ دستگاه‌های فرهنگی ومدیریت‌شهری وظیفه دارند که در راستای تأمین امکانات و زیرساخت‌های موردنیاز گام بردارند.»

وی گفت: «همهٔ امکانات و پتانسیل‌های شهری باید برای حمایت از فعالان و هنرمندان حوزهٔ هنرهای نمایشی و تئاتر بسیج

شود.»

شهلا توسعهٔ زیرساخت‌های تئاتر در شهر مشهد را ضروری برشمرد و افزود: «توجه‌به مسائل فرهنگی، مخصوصاً تئاتر، از جمله برنامه‌های اعضای پنجمین دورهٔ شورای شهر مشهد و مدیریت‌شهری است.»

وی با اشاره به اینکه باید شرایط مناسبی برای اهالی تئاتر در شهر مشهد فراهم گردد، تصریح کرد:

«توسعهٔ زیرساخت‌های تئاتر از جمله رویکردهایی

است که پس از استقرار شهردار، به‌صورت ویژه دنبال خواهد شد.»

عضو شورای اسلامی شهر مشهد ادامه داد:

«بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف اهالی تئاتر در خصوص پیشرفت این هنر و حمایت از هنرمندان دنبال می‌شود.»

شهلا تأکید کرد: «همهٔ آن‌هایی

که با شهرداری قهر هستند یا در این سال‌ها مهجور واقع شده‌اند هم باید به‌صحنه بازگردند تا از هویت هنر

اصیل ومردمی تئاتر این شهر دفاع کنند.»

وی خاطرنشان کرد: «فعالان حوزهٔ هنرهای نمایشی

انتظار دارند که مدیریت‌شهری در امر تبلیغات آثار

هنری این بخش مساعدت داشته باشد و فضاهای

تبلیغی شهر ادر اختیار آن‌ها قرار دهد.»

عضو شورای اسلامی شهر مشهد ابراز داشت: «هنرمندان تئاتر

برای رفع کمبودها در حوزهٔ زیرساخت‌ها، امکانات

وسان‌های نمایش در خواست‌هایی دارند که باید

حتماً به‌داد آن‌ها رسید و برای رفع این مشکلات گام

برداشت.»

شهلا گفت: «تئاتر خیابانی که با عنوان «تئاتر

انتقادی» شناخته می‌شود نیز با راه‌اندازی

مکان‌های مخصوص و حمایت از هنرمندان این

عرصه رونق می‌یابد.»

وی خاطرنشان کرد: «با ایجاد

زیرساخت‌های لازم، امکان نمایش آثار هنری به مردم

در قالب تئاتر‌های خیابانی فراهم می‌شود و از این

طریق می‌تواند حمایتی هم از فعالان این حوزه خواهد

شد.»

همهٔ امکانات و پتانسیل‌ها برای حمایت از فعالان تئاتر بسیج شود

عضو شورای اسلامی شهر مشهد با بیان اینکه زیرساخت‌های تئاتر و هنرهای نمایشی در شهر مشهد قابل قبول نیست، گفت: «ضعف امکانات در این بخش باعث ورود بخش خصوصی برای تأمین زیرساخت‌ها شده است.»

امیر شهلا در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرآ، با بیان این مطلب اظهار کرد: «مشهد



رئیس کمیسیون «برنامه، بودجه و فنآوری اطلاعات» شورای اسلامی شهر مشهد بر ضرورت تأمین زیرساخت‌های موردنیاز در زمینهٔ تئاتر تأکید کرد و افزود: «مدیریت شهری با ایجاد امکانات سخت‌افزاری برای برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌کمک اهالی حوزهٔ هنرهای نمایشی شهر

معرفی هیئت داوران جشنواره

مردان خاک صحنه خورده



است. آرش دادگر، از اعضای هیئت داوران مسابقهٔ تئاتر جوان سی‌وپنجمین جشنوارهٔ بین‌المللی تئاتر «فجر» و از جمله کارگردانان تئاتر ایران، دربارهٔ روند جشنوارهٔ تئاتر «فجر» و وضعیت این دوره از جشنواره در گفتگویی که با خبرنگاری «مهر» داشته است دربارهٔ دلایل نبود شهروندان و هیجان از سوی مخاطبان و همچنین گروه‌های تئاتری برای حضور در جشنوارهٔ بین‌المللی تئاتر «فجر» اظهار کرد: «در دوره‌هایی همه تلاش می‌کردیم که وارد جشنوارهٔ تئاتر «فجر» شویم، ولی به‌دلیل اینکه تصمیمات توسط یک فرد گرفته می‌شد این امکان میسر نبود و ورود به جشنواره خیلی سخت‌تر بود. اصلاً وقتی چیزی را از ما دور نگه می‌دارند در قبال آن حریص‌تر و هیجان‌زده‌تر می‌شویم وقتی آزادانه‌تر در اختیارمان باشد هیجانمان کم می‌شود. فکر می‌کنم جشنوارهٔ تئاتر «فجر» قابل‌دسترس‌شده و همین باعث کم‌شدن هیجان آن شده است.»

این گروه‌های تئاتری هیجان‌جشنواره را کمتر کرده

«جزیره»، «مرد مومی»، «شکارگاه ممنوع»، «تیغ

کهنه»، «نسیم حضور»، «یک راز کوچک» و «باغ

زیتون» به‌عنوان کارگردان حضور داشته است.

آرش دادگر

متولد ۱۳۵۲، کارگردان و بازیگر تئاتر در مقطع کارشناسی ارشد کارگردانی تحصیل کرده است. وی در مقام کارگردان تاکنون نمایش‌های متعددی را به‌روی صحنه برده است که از آن جمله می‌توان به نمایش‌های «آژاکس»، «مکبث»، «کالون»، «قیام کاستلیون»، «صبحانه برای یکاروس»، «شاه لیر» و «بازگشت افتخارآمیز مردان جنگ» اشاره کرد.

نمایش «طوفان» نوشته حسین فدایی حسین آخرین اثر وی است که در آذرماه ۱۳۹۱ در تالار «قشقای» به‌روی صحنه رفته است. آرش دادگر معتقد است سهیل‌الوصول شدن ورود به جشنوارهٔ بین‌المللی تئاتر «فجر» برای گروه‌های تئاتری هیجان‌جشنواره را کمتر کرده

نقد نمایش

یادداشتی بر «شاکو»

اوسنه (افسانه) شاکو برمی‌گردد به سال‌های دور وهمجواری مرز ایران، احتمالاً اطراف باجگیران، باشوروی سابق، دلبرمردی به‌نام «شاکو» که به‌تنهایی از قسمتی از مرز در برابر هجوم اجنبی‌ها دفاع می‌کند، مردی که دلبری، فدکاری وتیراندازی‌اش زبانه‌تمام اهالی دیار شده است، تا روزی که همسر شاکو، فیروزه، اسیر چنگال اجنبی‌ها می‌شود و آن‌ها می‌گویند تنها در صورتی او را رها می‌کنند که شاکو اسلحه‌را زمین بگذارد. فیروزه آزاد می‌شود. اسلحه به‌زمین می‌چسبد وشاکو به‌آسمان. اجنبی از فرصت استفاده و از مرز عبور می‌کند.... شاکو عقاب‌وار بر بلندی‌کوهی می‌ایستد وخود راها می‌کند.

حال امروز ۱۸ سال از روزهای گذرد و دودپسر رشید شاکو شده‌اند محافظ همان مرزی که پدر روزگاری از آن مراقبت می‌کرده است. پسر کوچک به‌هردلیلی توانایی تیراندازی ندارد و پسر ارشد که اسلحه و انگشتر و دوربین پدر را به‌ارث برده در تیراندازی شده است زبانه‌زد خاص و عام.

در روزهای مرزداری، پسر ارشد با دوربین پدر دختری را در لب مرز می‌بیند و او را شبیه به مادر خود فیروزه می‌انگارد. روزهای گذرد تا اینکه دیدار بین فرزند ارشد و دخترک لب مرز مهیا می‌شود. دیداری که می‌تواند تیلور عشقی در فرزند ارشد شاکو باشد تبدیل به دیداری خونین می‌شود....

امیر رستگار به‌درستی ابعاد مختلف این داستان (اوسنه) را می‌شناسد، شخصیت‌های نمایش را به‌خوبی برای ما تشریح می‌کند و به‌خوبی بلد است ما را با داستان همسوز سازد و گره تا باطنی بین مخاطب با روایت را ایجاد کند. به‌غیر برخی از زیاده‌گویی‌هایی که گاهی در برخی لحظات درگیر آن می‌شدیم رستگار توانسته مخاطب را همسوزبا چالش مرزداری کند و آن‌ها را در انتها در تعلیقی قرار دهد که میان عشق وسوء‌ظن برادر کوچک یکی را انتخاب کنند.

ارائه تحلیل درست از شخصیت‌ها با طراحی‌ای که انسجام خاصی به‌صحنه داده است «شاکو» اثری درخور توجهی کرده است، اثری که رستگار برای لحظه‌لحظهٔ آن اندیشه‌ای داشته‌که تا حدود زیادی آن را به‌خوبی برایمان تعریف می‌کند. رستگار در طراحی صحنه توانسته فضاسازی مناسبی ایجاد کند. به‌غیر آن‌ماه گوشهٔ چپ‌بالای صحنه و مسیر رفت‌وآمد بازیگران بر روی سکوی وسط صحنه (که همهٔ اتفاقات نمایش در آن جریان داشت) که نازیباً به‌نظر می‌رسید جزئیات و کلیات دیگر بر روی صحنه حس خوبی را به‌وجود آورده بود.

امیر رستگار دقت زیادی برای حرکات بازیگران به‌خرج داده بود و طراحی‌ای که برای بازیگران «شاکو»

در نظر گرفته‌بود هم راستا با فضایی بود که قصد داشت آن را ایجاد کند. یکی دیگر از جذابیت‌های اجرا نقل اوسنه از بخشی بود که در کنار صحنه بر روی سکویی سه‌تار به‌دست ما را در مسیر روایت قرار می‌داد. این

فضا حس بسیار خوبی را ایجاد کرده بود. شاید، اگر رستگار برای نقاب‌داران و همچنین حضور آن‌ها در صحنه تعریف بهتری ارائه می‌داد، می‌توانستیم ارتباط خوبی با آن‌ها برقرار نماییم.

در بارهٔ پایان‌بندی به‌نظر، اگر نمایش در زمانی که دو فرزند شاکو هر کدام در گوشه‌ای از سکو کشته شدند به‌انتمام می‌رسید، تأثیرگذاری بیشتری می‌توانست داشته‌باشد. احساس می‌شود آن فرم پایان‌بندی حضور اجنبی‌ها و همه‌کاره نشان دادن شخصیت زن در ماجرای اجنبی‌ها چندان جذاب نیست. کاش به‌عجدهٔ خنبل و تفکر تماشاچی گذاشته می‌شد و در نهایت به‌نظر نمایش به تماشاخانه‌ای به‌بزرگی سالن اصلی تئاتر شهر نیاز نداشت.

نقد نمایش

«جایی دیگر»

شاید بتوان گفت کارگردان جوان «جایی دیگر» در بخش‌هایی توانسته ایده‌هایی داشته باشد، اما اجرای یک‌اثر رئالیستی در چیدمان لوازم کهنه یک‌خانه خلاصه نمی‌شود. سجاد صاحبی کمی بیشتر باید دچار آن شود؛ یعنی بیشتر بخواند، بیشتر ببیند، تمرین، تمرین و تمرین کند. باتوجه‌به گروه جوان و خوبی که سجاد صاحبی دارد، پیشنهاد می‌شود در این جریان، علاوه بر خودش، همهٔ اعضا درگیر این ماجرا شوند. بازیگران و همه عوامل، هرکدام درزمینهٔ خودشان وارد این جریان شوند. کتاب‌های ارزشمند زیادی در این زمینه وجود دارد و نمایش‌های خوبی هم اجرا شده و نمایشنامه‌های بسیار خوبی هم نوشته شده‌است. پژوهش‌هایی مانند «بازتاب رئالیسم در تئاتر معاصر ایران» هم می‌تواند خیلی کمک‌کننده باشد.

نکته مهم در اجرای این تئاتر این است که نمی‌دانیم صاحبی قصد دارد تمام قواعد رئالیستی را رعایت کند یا نه؟ اگر قصدش رعایت آن‌ها است، پس تکلیف آن ورود و خروج بازیگران به پذیرایی خانه چیست؟ البته این بارزترین نکته است. نکات فراوان دیگری هم در این رابطه وجود دارد. از استفاده از تلفن‌خانه تا کم‌زویاد شدن شدت نور- که به‌سختی به‌دنبال ارتباط آن با خورشید و برادر شهید بودیم- تا بسیاری از نکات ریزودرشت که در اجرای این چنینی به‌شدت دیده می‌شوند. علاوه بر این‌ها که برمی‌گردد به طراحی کارگردان، صاحبی باید خیلی حواسش به بازی بازیگران و میزانش‌هایی که برای آنان طراحی می‌کند، باشد. حرکت آن‌ها در اجرا باید فکرشده و از فیلترهای ذهن کارگردانی که آن‌ا طراحی کرده‌است، بگذرد. کارگردان باید تعریف دقیقی داشته باشد. به‌نظر می‌رسد این کار در استفاده از شیوه‌ای که صاحبی آن را انتخاب کرده، سخت و زمان‌بر است. در جای‌جای اجرای نمایش باید به‌فکر مخاطبی که دوست داریم با اثر ارتباط برقرار کند، باشیم. لحظات نمایش را تعریف کنیم و برای هرلحظهٔ آن ارائه‌ای داشته باشیم که مخاطب درگیر آن شود. نوع گره‌گشایی (اگر وجود دارد) استفاده از نور و طراحی صحنه، تعلیق‌های به‌جا و قاعده‌مندی که لحظه‌لحظه چالش‌های بیشتر برای مخاطب ایجاد کند و… . نتیجه تمام این‌ها رسیدن به ریتم و استمرفی می‌شود که ما غرق در فضای آن باشیم.

توجه صاحبی به برخی جزئیات مانند استفادهٔ پسرک نوجوان از ماشین اسباب‌بازی که یک‌ماشین جنگی است و برخی لحظات دیگر نشان می‌دهد صاحبی می‌تواند این دقت‌نظر خوب را در تمامی ابعاد اجرای خود داشته باشد. سجاد صاحبی باتوجه‌به گروه جوانی که دارد، می‌تواند انرژی زیادی در این جریان بگذارد. با این کار مطمئناً همهٔ آن‌ها اثر خواهند کرد. نمی‌توان بی‌برنامه بودن در صحنه را تنها معطوف به خودشان بدانیم. همان‌طوره که گفته شد، کارگردان با تعریف صحیح حضور آن‌ها در صحنه می‌توانست برنامهٔ دقیقی داشته باشد. هرکدام از بازیگران ویژگی‌های مثبتی دارند که می‌توانست با هدایت صحیح در مسیر مناسبی قرار بگیرد؛ اما در مورد خود بازیگران احساس می‌شود تحلیل درستی از نقش‌هایی که ارائه می‌دهند، ندارند. در این میان، خود بازیگر می‌تواند بیشترین توان و زمان را بگذارد تا به شخصیت‌پردازِی صحیح نزدیک شود و بتواند تحلیل درستی ارائه دهد، بتواند برای لحظه‌لحظهٔ خود برنامه داشته باشد، تمرکز خود را بر روی صحنه حفظ کند و با هوش آتی‌ای که دارد برای تمام اتفاقات (مانند همان قطعه سیم نلغن در حین اجرا و …) برنامه‌ای بچیند. بازیگران باید مراقب باشند صدایشان در انت‌های صحنه خیلی پایین نیاید؛ مراقب حرکت‌های خود، راه رفتن و نشستن، سرعت دیالوگ گفتن، تأکید‌های صحیح روی کلمات و جملات و غیره باشند. همهٔ این‌ها فاکتورهای لازم برای یک اجرای دقیق است. «جایی دیگر» را کارگردان و گروه جوانی اجرا کردند که نوید روزهای خوبی برای تئاتر نیشابور و استان می‌توانند باشند، گروهی که مطمئناً هفته‌ها تمرین داشته‌اند تا به مرحلهٔ اجرا رسیده‌اند. به آن‌ها خسته نباشید می‌گوییم و مطمئن هستیم از تجربه‌ی اجرایی که داشتند، به‌تحواحسن استفاده خواهند کرد.

تئاترهای «جایی دیگر» به کارگردانی سجاد صاحبی از نیشابور، «هتل ایران» به کارگردانی جلال شبانی از مشهد، «ماهرخ» به کارگردانی نوید اسدیان از مشهد، «مالی سوئینی» به کارگردان مسعود صفری از مشهد و «اعترافاتی دربارهٔ زنان» به کارگردانی مصطفی نصیری و مسعود زرگران از مشهد به بخش تجربه‌های بیست‌وهفتمین جشنوارهٔ تئاتر استانی خراسان رضوی راه یافته بودند که در ادامه گزیده‌ای از یادداشت‌های احسان روحی دربارهٔ این نمایش‌ها را خواهید خواند.

«هتل ایران»

«هتل ایران» یک‌نمونهٔ دسته‌چندم از آثاری است که تلاش دارد با ورود به دنیای نمایش ایرانی، با تکیه‌بر شکستن دیوار چهارم ورود به دنیای مخاطب، حس و شغف ما را در جهت‌گزینش بهترین‌راه ممکن برای دیدن اثر پیدا کند. افشین هاشمی، نویسندهٔ این نمایش، که البته قبل‌تر آثار به‌مراتب بهتری از او را دیده بودم، در این نمایش فقط یک‌ماکت از نمایش ایرانی را در قالب یک‌فضای شبه‌مدرن ارائه می‌دهد. نمایشنامه درم‌ز بین «بودن» و «اشدن» مانده است و تکلیفش برای اینکه در کجا قرار بگیرد مشخص نیست و مخاطب در این زمینه، در یک سردرگمی پیوسته است. اگر نمایش ایرانی را به دوربهِٔ زمانی قبل و بعد از اسلام تقسیم کنیم، درواقع به یک‌گسترهٔ مهم و بزرگ از آیین‌ها و رسوم بعضاً عامیانه می‌رسیم که در بسیاری از آثار آیینی ما به‌شدت به آن‌ها پرداخت شده است. به‌عقیدهٔ من هاشمی در نمایشنامه‌اش خواسته در مرز بین نمایش‌های شادی آور و مضحکه، مخاطب را وارد دنیایی کند که او بتواند حرف‌های سیاسی و اجتماعی و حتی تلخ خود را به‌راحتی بیان کند. او در پیش‌رواقت نمایش، موقعیت‌هایی را به‌وجود آورده که مخاطب در مواجهه با آن به یاد همان کمدی‌های روحوضی خودمان می‌افتد، اما حالا همه چیز درون یک‌هتل است. به‌نظر من تغییر مکان به هتل نتوانسته است به دورشدن اثر از فضای کلاسیک کمکی کند؛ به‌طورمثال اگر همهٔ اتفاقات درون یک‌خانهٔ اشرافی هم بود، بازهم موقعیت‌ها تغییر نمی‌کرد. درواقع هتل، بیشتر بزرک داستان شده است تا محل وقوع حوادثی که قرار است تعلیق یا استعاره‌ای را به‌وجود بیاورد. در یک‌نگاه کلی وحتی فلسفی به‌مقولهٔ ماهیت انسانی، به این نکته می‌رسیم که فلسفهٔ وجودی این هتل و حضور آدم‌های درون آن بیشتر قرار است ما را یاد چیزی یا جایی ببندازد، اما این اتفاق در میان حجم شوخی‌ها و کنایه‌ها و موقعیت‌های گاه‌دسته‌چندم نمایشی دیده نمی‌شود. عقاید و نوع فرهنگ و‌مذهب شخصیت‌های نمایش در یک درهم‌پیچیدگی عمیق قربانی نوع نگاه مؤلف به‌اثر شده است. جلال شبانی در مقام کارگردان با همهٔ تلاشی که برای دورشدن از فضای نمایش ایرانی کرده است و تلاش کرده تا اثر را به‌تئاترشدن تبدیل کند، بازهم اسیر همان ویژگی‌های نزدیک‌نمایشنامه‌با ادبیات‌نمایش‌های ایرانی‌ما شده است. وجود شخصیت سیاه که به‌نظر من نه در اجرا و نه در نمایشنامه به‌درستی استفاده نمی‌شود. حضور صندوق که بیشتر به‌عنوان یک‌دکور استفاده می‌شود و نوع بیان و ادبیات و لحن، همه‌وهمه‌نشانگر این است که ما با یک‌نمایش ایرانی روبه‌رو هستیم، حتی اگر در همان ابتدا باشکسته‌شدن دیوار چهارم، مخاطب‌را در کنار خودمان هم ببینیم، بازهم عدم‌تناسب‌عناصر بصری و دیداری و شنیداری، باعث رجعت مخاطب

از دنیای اثر به دنیای بیرون نمایش می‌شود و گاه‌ا فقط محو بزرک‌دوزک‌های موسیقایی و کمدی‌های لحظه‌ای که بیشترش هم باتوجه‌به قابلیت‌های بازیگران شکل می‌گیرد.

شبان‌ی در یک‌دست‌بودن عواملش تلاش بسیاری کرده است. کاملاً مشهود است که گروه قرار بوده است که اجرایی موفق داشته باشند، اما پیش از آن نیاز به طراحی کارگردانی داشته‌اند. متأسفانه نمایش چندپاره است. در نمایش‌های ایرانی آن چیزی که بسیار مهم جلوه می‌کند ورود مخاطب به دنیای اثر است، جایی که قرار است مخاطب هم‌سو با گروه و تمام لحظات باشد.

تلاش شبانی در استفادهٔ خوب و به‌جا از موسیقی قابل‌ستایش است. البته این موسیقی گاهی به‌بیراهه و اضافه‌گویی نیز می‌رود. سادگی صحنه و طراحی لباس وحتی انتخاب بازیگران در یکی دومورد، نشان از انگیزه و هوش کارگردان دارد، اما همهٔ این عناصر نتوانسته یک تصویر واحد به ما ارائه دهد و مانند یک پازل که چندتکه‌اش خالی است، چشم را آذیت می‌کند.

بازی اکثر بازیگران تنها در حد ایده‌پردازِی و کپی‌کاری مانده است. هرچه‌قدر که شخصیت مرد ترک‌زبان قصه، شیرین و راحت بازی می‌کند، شخصیت عبدالعلی درگیر تیپ‌سازی غلوشده است. دختر کلفت با لحنی که به‌بازی خود اضافه کرده، توانسته تا حدودی شخصیت این آدم‌ها را که همان محرم‌راز او هم در گیرودار هدایت‌نکردن کارگردان مانده است، جایی که شبانی با بازی کردن خودش درواقع فرصت دیدن و شهود را گرفته است. ما یک‌نوع خودخواهی کارگردانی را در بازی او می‌بینیم. شبانی در مقام بازیگر، بهتر از کارگردانی‌اش عمل کرده است که شاید این را بتوان به عدم‌تجربهٔ کافی‌اش نسبت داد. بقیه بازیگران هم صرفاً درون یک تیپ‌سازی دم‌دستی مانده‌اند، یک‌نوع ادا‌بازی تقلیدگونه و مضحک ایرانی که همان هم نیست و فقط شبیه آن است.

انتخاب متون و آثار ایرانی را به‌شدت توصیه می‌کنم، اما مطالعه و تحقیق و دانستن این‌انگاره‌های نمایشی را بیشتر. شاید نمادهایی چون صندوق در طراحی صحنهٔ نمایش و رفت‌وآمدهای درون آن می‌توانست با همان شیوهٔ سنتی صندوق‌بازی ما تلفیق شود. شاید سیاهی و زبان تند و تلخ می‌توانست تبدیل به رفتار نمایش شود و شاید موسیقی سنتی و تلفیق دوبهبولیش با سازهای غربی هم می‌توانست کاربردی



گزارش تصویری



نگاهی به تعدادی از تئاترهای راه‌یافته به بخش «تجربه‌های جشنواره»

بشتابید که آینده از آن شماست

ایرانی‌تر داشته باشد. آن چه مهم است هوشمندی کارگردان در انتخاب اثری است که مخاطب آن را می‌پسندد. هر چند هنوز اتفاقات نمایشی اثر کم و فقط در سطح یک ایده است، اما قطع‌به‌یقین پاره‌ای از تمهیدات اثر می‌تواند نمایشی موفق در اجرای عموم و برای مخاطب عام باشد.

«مالی سوئینی»

مالی سوئینی روایت زنی به‌نام مالی است که به‌کوری مادرزادی دچار است و حالا بعد از ازدواج نتوانسته دنیای سرشار از آرامش را پیدا کند، اما با پیشنهاد یک چشم‌پزشک که اد‌عای درمان نابینایی او را دارد،

دپیچه‌های جدیدی از زندگی برای او باز می‌شود. دنیای قبل و بعد از نابینایی مالی دقیقاً مسئله مؤلف است.

لوئیز کاترون در کتاب «بینش کارگردانی» می‌گوید سه‌اصل مهم در ایجاد و آغاز یک تئاتر مهم است: تضاد، احساس و سرگرمی. گاهی تعاریف این واژه‌ها در ساختار اجرایی یک‌اثر به‌خصوص نمایشنامهٔ «مالی سوئینی» به‌شدت دچار اشکال می‌شود.

در اجرای این نمایش، به کارگردانی مسعود صفری، مهم‌ترین اتفاق همان درک و تحلیل درست متن است. گویی او خواسته با ایجاد یک تضاد آکت‌محور بر شاکلهٔ یک‌درام کاملاً داپیچتیک، که برپایهٔ دیالوگ استوار است، نوعی تابوشکنی کرده و با ایجاد تصاویری هرچند بی‌ربط سعی در پرکردن جاه‌های تحلیلی اثر کرده است. تصاویری که بیشتر درحد یک‌شوی چشم‌نواز است و گاهی از جلوی چشمان ما می‌گذرد؛ حتی استفاده از مدیا و تصاویر هم بیشتر از اینکه بخواهد به روند روایت و درک مخاطب کمک کند، در جهت‌نگاه سملحی کارگردان پیش‌رفته است.

درواقع اثر از زاویه‌دید هرسه‌شخصیت پیش می‌رود، ولی در اثر مسعود صفری همه چیز متعلق به مالی است و تمام تلاش کارگردان برای قهرمان جلوه‌دادن اوست. استفاده از نمادهای دم‌دستی مثل کوله‌پشتی و سیب و هدست هم نتوانسته به بار مفهومی اثر بیفزاید. این نمادها حتی گاهی مخاطب را دچار تناقض نیز می‌کند.

نمایش در تاریکی شروع می‌شود. این تاریکی، بیشتر، متعلق به قبل شروع نمایش بوده است که هنوز مخاطب به دنیای صحنه ورود نکرده است و فقط چنددقیقه‌نریشن‌های نامفهوم می‌شوند، بدون آنکه کمکی به ورود او به دنیای داستان بکند. آنچه در متن هست و بخش ابتدایی اثر که دیالوگ‌های کلیدی و کدهای مؤثری دارد، در قالب یک‌نریشن

نمایش در تاریکی شروع می‌شود. این تاریکی، بیشتر، متعلق به قبل شروع نمایش بوده است که هنوز مخاطب به دنیای صحنه ورود نکرده است و فقط چنددقیقه‌نریشن‌های نامفهوم می‌شوند، بدون آنکه کمکی به ورود او به دنیای داستان بکند. آنچه در متن هست و بخش ابتدایی اثر که دیالوگ‌های کلیدی و کدهای مؤثری دارد، در قالب یک‌نریشن

نمایش در تاریکی شروع می‌شود. این تاریکی، بیشتر، متعلق به قبل شروع نمایش بوده است که هنوز مخاطب به دنیای صحنه ورود نکرده است و فقط چنددقیقه‌نریشن‌های نامفهوم می‌شوند، بدون آنکه کمکی به ورود او به دنیای داستان بکند. آنچه در متن هست و بخش ابتدایی اثر که دیالوگ‌های کلیدی و کدهای مؤثری دارد، در قالب یک‌نریشن

نمایش در تاریکی شروع می‌شود. این تاریکی، بیشتر، متعلق به قبل شروع نمایش بوده است که هنوز مخاطب به دنیای صحنه ورود نکرده است و فقط چنددقیقه‌نریشن‌های نامفهوم می‌شوند، بدون آنکه کمکی به ورود او به دنیای داستان بکند. آنچه در متن هست و بخش ابتدایی اثر که دیالوگ‌های کلیدی و کدهای مؤثری دارد، در قالب یک‌نریشن

عکس: روابط عمومی جشنواره تئاتر استانی

ویژه‌نامه کتابخانه جشنواره تئاتر رضوان

نقد نمایش

«اعترافاتی دربارهٔ زنان»

در ابتدا باید عنوان کنم که نقد پیش رو با نگاهی روان‌کاوانه به اثر نمایشی نگاشته شده است و صد البته می‌توان از زوایایی دیگر نیز آن را بررسی کرد؛ اما باتوجه‌به تم و درون‌مایهٔ اصلی نمایش تصمیم گرفتم که این رویکرد را انتخاب کنم و به‌شکلی اصولی وارد اثر شوم. در این نقد با ارجاع به دو بحث اساسی خودآگاه و ناخودآگاه و مباحثی چون من، فرامن، و نهاد، سعی دارم نگاهی اجمالی به نمایش «اعترافاتی دربارهٔ زنان» داشته باشم.

نمایشنامه دربارهٔ دغدغه‌های یک‌مرد جوان به‌نام ابونصر است که باتوجه‌به زندگی در یک خانوادهٔ سنتی و نگاه‌های آن‌ها به زن‌ها در تلاش است تا از دیدگاه خودش به احقاق حقوق بانوان بپردازد.

پاراحمدی را همواره یک‌درام‌نویس شناخته شده در عرصهٔ نمایش ایران و با شکل دیالوگ‌نویسی‌اش می‌شناختم. دیالوگ‌های این نمایش که اتفاقاً نسخهٔ دیگری‌ش را هم قبل‌تر دیده بودم، به‌واسطهٔ پیوستگی و

نسبتاً طولانی‌ارائه می‌شود. یک توری سفید که شاید همان مرز بین بینایی و نابینایی مالی است، در وسط صحنه طراحی شده است که تصاویر بر روی آن پخش می‌شود، اما این پرده بیشتر از اینکه مرز بین حقیقت دنیای مالی و واقعیت زندگی‌اش را نمایان کند، نقش یک‌دکور یا عنصری زیبارا‌بازی می‌کند. لغات در نمایشنامهٔ «مالی سوئینی» به‌شدت در ارتباط باهم نوشته شده‌اند. استعاره‌های مالی از دنیای بیرونی‌اش، که به‌واسطهٔ شناختی است که پدر و اطرافیانش به او داده‌اند، کاملاً در اثر مستتر است. فریل تلاش کرده تا بار معنایی لغات را در اندازه و قوایهٔ یک‌تصویر ذهنی به مخاطب تزریق کند. او همهٔ تلاشش را می‌کند تا مرز باریک بین درام و روایت را در نمایشنامه‌اش مشخص کند و به این دلیل، کنش‌های تقلیدی و توضیح صحنه‌ها به‌شدت کم و یا حتی وجود ندارد. درواقع هرسه‌شخصیت نمایش، نقش یک‌راوی اول شخص را دارند. زرار زنت از اواخر دههٔ ۵۰-۶۰ همهٔ تلاش را کرد تا تفاوت بین درام و روایت را نشان دهد. وی در تضاد تفکر افلاطونی‌که عقیده داشت داستان می‌تواند در جاهایی روایی و جاهایی تقلیدی باشد، گام برداشت و آثار فریل به‌خصوص «مالی سوئینی» نماد محض آن است؛ هرچند که در ایران و در آثار بیضایی‌هم به‌شدت می‌توان رگه‌هایی از روایت‌مدن امروزی را دید، مانند آثار باتلر بیتس و بکت که کاملاً تحت‌تأثیر این نگرش نگاشته شده‌است.

اگر بخوایم به تعریف و تفکیک درستی از این دو، یعنی روایت و درام، بپردازیم باید بگویم که درام جایی است که نشانه‌ها از طریق نمایش و کنش نشان داده می‌شوند، و روایت جایی است که نشانه‌ها از طریق نقل و توضیح ارائه می‌شوند؛ مانند آنچه در نمایشنامهٔ فریل اتفاق می‌افتد. شاید اگر کارگردان به چنین تحلیلی

و شناختی رسیده بود او هم تلاشش را می‌کرد که در اجرا همهٔ توان درمسیرونویسنده‌قدم بردارد. هرچند که معتقدم کارگردان می‌تواند با هر تحلیلی سراغ متن برود، ولی واقعاً نه هر تحلیلی، بلکه با تحلیلی منطقی و در راستای پیش‌بردن اثر.

جدای از بازی خوب بازیگر نقش «مالی» که هم در ارائهٔ حس و هم فضا‌سازی و خلق کاراکتر موفق بود -البته به‌استثنای لحظاتی که او هم اسیر دغدغه‌های کارگردان شده بود- دربارهٔ دو بازیگر دیگر نمی‌توانم چیزی بگویم، چون اساساً نه تحلیل درست و نه ارائهٔ درستی بر صحنه اتفاق می‌افتد. بیشتر یک‌نوع خود‌نمایی بدنی در قالب پرفورمنس است که آن هم اصلاً شبیه استانداردهای پرفورمنس جهانی نبود. به‌عقیدهٔ من «مالی سوئینی» قربانی تفکر عدم‌شناخت می‌شود. اگر مسعود صفری با استعداد و خوش‌آئیه تمام ایده‌های کارگردانی‌اش را در اثری متناسب با شیوهٔ تفکرش پیاده می‌کرد، قطعاً اجرای بهتری را از او شاهد بودیم، اثری که برای این‌گونه کارگردان و طراحی‌ای نگاشته شده باشد. نمایشنامهٔ فریل اساساً با این شکل رفتارها مشکل دارد. شاید کارگردان با خودش فکر کرده که این اتفاق نوعی ساختارشکنی است، در صورتی‌که اساساً درنوردیدن ساختارهای دمده، نیاز به‌شناخت و بینش بسیار دارد.

به‌زعم همه، تلاش گروه اجرایی که شاهد آن بودم، یک کولاژ ذهنی از تراوشات فکری کارگردان است که دقیقاً به‌متن فریل الحاق شده‌است. درنهایت جسارت انتخاب چنین اثری، ستودنی است، اما مهم‌تر از آن، جسارت اجرای این اثر است و نباید از حمات این گروه به‌سادگی گذشت. همچنان می‌گویم: «دوستان جان! بخوانید و بخوانید و بخوانید تا بدانید.»

برده بود که البته این ناآگاهی به‌شدت آگاهانه و خوب بازی شد، اما کامل نبود و به‌زعم من هنوز هم این شخصیت را می‌شد واکاوید و در لحظات حساس نمایش کشفش کرد؛ ولی نمی‌شود از بازی شیرین و خوب و تمرین‌شدهٔ بازیگر گذشت.

جشنواره بیست و هفتم از قاب عکاسان

عکس: روابط عمومی جشنواره تئاتر استانی

